تا اینجا ما دو سوال مهم را جواب دادیم، اول اینکه آلودگی در حوا وجود ندارد و گناه اول، گناه حوا نبوده است و دوم اینکه سرشت زن و مرد سرشت آدم و حوا، سرشت بقیک زنان و مردان از یک سرشت است و به تبع مطرح کردیم در پیوند زن و مرد، یعنی مسئله ازدواج، هیچ گونه آلودگی وجود ندارد. بنابراین اگر ما مسئله سرشت­ها و گناه اول را حل کنیم، این سوال باقی می­ماند که آیا زن برای مرد و فرع وجود مرد است؟ گفته شد که این سوال مستقلی است. ممکن است گفته شود سرشت­ها یکی هستند، آلودگی هم وجود ندارد اما زن فرع مرد است و برای مرد خلق شده است. در ادامه بحث آیک ازدواج، به این سوال اشاره کردیم. عرض شد که قرآن کریم اصل علیت غایی را قبول دارد. اصل علیت غایی یعنی قرآن قبول دارد که همه چیز برای انسان آفریده شده است و لذا آیات متعددی داریم که «خلق لکم ما فی السموات و ما فی الارض» هر چه در آسمان و زمین است، برای شماست. «سخر لکم ما فی الارض جمیعا» انسان هر چه در آسمان و هر چه در زمین است برای تو خلق شده و هر چه در زمین است مسخر توست، یعنی تو می­توانی استفاده کنی و نهایتا آنرا به چنگ بیاوری. این توانایی و استعداد، این قدرت نشان دهنده این است که غایت انسان است و چون انسان خلیفه و جانشین خداست، نعمات الهی برای انسان خلق شده و در اختیار انسان است. این اصل علیت غایی است. ولی در مسئله زن و مرد، آیک­ای نیست که بگوید زن را برای مردان خلق کردیم. بلکه قرآن اینگونه بیان کرده که «هنّ لباسٌ لکم و أنتم لباسٌ لهنّ» زنان لباس شماهستند، لباس حافظ بدن و زینت بدن است. زنان وسیله حفظ مردان و وسیله زینت مردان و مردان نیز موجب حفظ و زینت زنان هستند. زنان برای مردان –بلافاصله می­گوید- و مردان برای زنان خلق شده­اند. پس اصلیت و فرعیتی در کار نیست. هر دو برای همند. در تفکری که ما قبول داریم همه چیز برای انسان است اما قبول نداریم صرفاً زن برای مرد است بلکه مرد هم برای زن است. زن حافظ تو و زینت تو و تو حافظ زن و زینت زن هستی. شما مکمل یکدیگر هستید. این اصل مکملیت است. زن و مرد مکمل همند، زن و مرد برای هم و مکمل هم آفریده شده­اند. در این تفکر و بر اساس این اصل است که در آیک زیبای سوره رام می­فرماید از آیات خدا این است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید «و جَعَلَ بَینکم مَوَدَّه و رَحمَه». اگر دستگاه آفرینش گرایش فطری و علاقه و محبت فطری را در زن نسبت به مرد و در مرد نسبت به زن قرار داده-"جعل بینکم" خدا اینچنین خلق کرده- اگر خدآند به شکل فطری و به شکل تکوینی این گرایش را در زن نسبت به مرد و در مرد نسبت به زن قرار داده به این خاطر است که زن بدون مرد و مرد بدون زن ناقص است. زن بدون مرد، زینت و حفاظت ندارد مرد هم بدون زن لباس ندارد، زینت و حفاظت ندارد اصل مکملیت فریاد میزند که شما مکملید؛ تو کمال او و او کمال توست و هر کدام به تنهایی ناقصید. لذا راایات ما و منطق زیبای اسلام می­گوید که هیچ بنایی محبوب­تر از بنای ازدواج نیست. لذا فریاد می­زنیم هر کس ازدواج می­کند، نصف دین را احراز کرده. چرا که اگر دین مجموع مسیر حرکت به سوی خداست، نصف دین در زن و نصف دین در مرد است. چون زن و مرد مکمل همند. احراز نصف دین یعنی احراز نصف مسیر کمال انسان به سوی خدا از طریق ازدواج است. یعنی زن نیمی از کمالش را با مرد و مرد نیمی از کمالش را با زن به دست می­آورد. البته بایستی شرایطش را رعایت کنیم. یعنی واقعا مبنای ازدواج ایمان و تقوا و خصوصیاتی که در بحث خانواده باید رسیدگی کنیم. بدین صورت اصل مکملیت، گرایش فطری محبت و مودت و عشق متقابل زن و مرد -که از آیات الهی است- با این منطق زیبا نشان می­دهد که زن برای مرد و فرع مرد نیست، هیچ کدام نسبت به دیگری فرعیت ندارند. این دیدگاه بسیار ارزشمند در ازدواج و در خانواده منبع بسیاری از احکام است.بنابراین اگر اسلام محدودیت­هایی را اعمال می­کند، می­خواهد مکملیت درست شود تا ازدواج و خانواده سالم تشکیل شود. بعضی چیزها را شدید اعمال می­کند چون باید این اتفاق بیفتد و اگر نیفتد بشر تباه می­شود. این سازمان اندیشه اسلامی است.

چون زن و مرد مکمل همند، عین هم نیستند و چون عین هم نیستند، تکالیفشان متفاوت است بلکه تکالیفشان باید مکمل هم باشد. حال بایستی سوال اصلی را بررسی کنیم که چرا زن پیغمبر نمی­شود؟ در ارتباط با اینکه چرا زن پیغمبر نمی­شود، باید دو مرحله را از هم جدا کنیم 1-آیا زنان کمال نهایی انسان یعنی نبوت و ولایت را فاقد هستند یا اینکه مسئولیت نبوت را ندارند؟ باید اول ثابت کنیم که نبی نشدن زنان به این علت نیست آنها فاقد کمالند؛ باید ثابت کنیم که زنان کمال نهایی انسان را دارند سپس بگوییم که چرا مسئولیت نبوت را ندارند. یکی یکی و مرحله به مرحله بحث­های قوی انسان شناسانه قرآن را بررسی کنیم. برای اینکه ثابت کنیم که زنان کمال نهایی را دارند باید اطلاعاتی راجع به قانون مداری و قانون منزلی داشته باشیم. قانون مداری یعنی قانونی که در مدار و مسیر کلی حرکت انسان ثابت و بدون تغییر حاکم است. قانون ثابت لایتغیر که از اول خلقت انسان تا آخرین روز حیات انسان باید باقی بماند. قانون منزلی تطبیق قانون ثابت بر مقاطع مختلف حیات بشر است. نتیجه این است که در بحث­های نبی شناسی چون قانون مداری داریم، قرآن می­گوید ما یک دین بیشتر نداریم؛ ادیان مختلف نداریم. شریعت­های مختلف داریم. شریعت­ها نتیجه تطبیق قانون ثابت بر مقاطع متغیر است اما یک دین و یک قانون است. لذا انبیا -به اصطلاح قرآن- مبشر و مؤیدند. نبی قبلی مبشر نبی بعدی و او هم مؤید انبیا ما قبل خود است. پس در مدار صراط مستقیم مقاطع مختلفی وجود داشته است. ابراهیم، موسی، عیسی، پیغمبر اکرم هر کدام در یک مقطع بوده­اند. با این روش عجیب اسلام که سر جاودانگی اسلام، انعطاف پذیری اسلام و خیلی چیزهای دیگری را تبیین می­کند باید آشنا شویم.

پس قانون مداری یعنی قانون ثابت مسیر که دین بر اساس آن تبیین می­شود. اکنون این سوال مطرح می­شود که اصلی ترین و اساسی ترین قانون مداری اسلام در مسیر حرکت انسان به سوی خدا چه قانونی است؟ و آیا بر اساس این قانون کمال نهایی برای زن و مرد یکسان تأمین می­شود؟

قانون مداری که قرآن برای انسان تصویر می­کند که در یکی از سوره های کوچک اما بسیار زیبای قرآن آمده -سوره والعصر- قانون ایمان و عمل صالح است. «والعصر» امام رحمت الله علیه تفسیر می­کردند، قسم به عصاره خلقت، قسم به مهدی(عج) که میوه آفرینش است. امام می­فرماید بهترین معنای عصر مهدی(عج) است. قسم به عصاره خلقت، قسم به امام زمان که مظهر خلافت جمعی است. یعنی وقتی می­آید کمال نه در فرد بلکه باید در جامعه تحقق پیدا کند. قسم به «عصر إن الانسان لفی خسر إلا الذین آمنوا و عملوا الصالحات». قانون مداری انسان، ایمان و عمل صالح است و اگر آنرا ترک کند موجب خسران است. قانون مداری را باید درست کنیم بعد ببینیم در منازل چطور میشود، در منزل آدم و حوا قانون مداریِ ایمان و عمل صالح درست شد؟ «ربنا ظلمنا انفسنا فإن لم تغفرلنا و ترحمنا لنکوننّ من الخاسرین» خدایا ما از ایمان و عمل صالح خارج شدیم و دچار خسران شدیم. دستمان را بگیر. آدم گفت حوا هم گفت. «إن الانسان لفی خسر إلاالذین آمنوا و عملوا لصالحات» قانون مداری، قانون ایمان و عمل صالح است. انسان با ایمان و عمل صالح به عصاره خلقت می­رسد، قرآن می­گوید عمل می­تواند فردی باشد مهمتر از آن عمل جمعی یعنی «تواصوا بالحق» توصی به حق، حق جمعی "تواصوا" «و تواصوا بالصبر» که کار بزرگ بسیجی­ها این است. تا به عصاره خلقت برسیم. موضوع ایمان و عمل صالح مرد یا زن نیست؛ انسان است. قرآن احتیاط می­کند برای اینکه کسی توهم نکند که موضوع ایمان و عمل صالح اختصاص به مرد دارد، در جایی تصریح می کند که این قانونِ مداری اختصاص به مرد ندارد. 1- در آیات شریفه سوره نحل، آیه 97 «من عمل صالحا من ذکر أو انثی و هو مومن فلنحیینه حَيَاةً طَيِّبَةً» نحیی یعنی اورا احیا می­کنیم، حیات طیب به او می­دهیم. «و لنجزینّهم أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» فرق این آیه با سوره عصر چیست؟ در اینجا تصریح میکند "مِن ذَکرٍ أو انثی" ،"و هو مومن" هم ایمان و هم عمل صالح. "لَنَجزیَنَّهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون" هر کس ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد؛ زن باشد یا مرد ما اورا احیا می کنیم به حیات طیب و به او اجری می دهیم به مقدار عملش؟ خیر، "باحسن ما کانوا یعملون" بهتر از عملش. این هم یک قانون است. به اینها "معامله به فضل" می­گویند. قرآن قانون مداری دیگری دارد «والذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و إن الله لمع المحسنین» هر کس یک قدم بیاید، ما ده قدم می­آییم. هر کس عمل صالح انجام دهد، چه مرد باشد و چه زن، در حالی که ایمان دارد، به حیات طیب می­رسد و اجرش را خدا بأحسن ما کانوا یعملون پرداخت می­کند، بهتر از آنچه که انجام داده است. این قانون الهی است. پس در قانون مداری ایمان و عمل صالح -بنده ادعا می کنم- می توان ادعا کرد که قرآن القاء جنسیت کرده است. مذکر یا مؤنث بودن هیچ تأثیری ندارد، القای جنسیت شده. قانون، قانون ایمان و عمل صالح است. در آیه زیبای صد و نود و پنجم سوره آل عمران، این آیه از آیات عجیب قرآن است. این چهار-پنج آیه آخر سوره آل عمران مستحب است زمانی که برای نماز شب بیدار می­شود بخواند. «الَّذِينَ يَذْكُرونَ اللّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىَ جُنُوبِهِمْ» کسانی که خدا را یاد می­کنند، در حالی که ایستاده­اند، در حالی که نشسته­اند و در حالی که بر پهلو خوابیدند –مستحب است که آدم بر جَنبش یعنی بر پهلو بخوابد، بر دست راست و در همه حال ذکر می­گویند، یذکرون الله در همه حال ذکر خدا می گویند «وَيَتَفَكَّرونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ» و اهل تعقل و تفکرند، اندیشمندند. ذکر دارند، فکر هم دارند. اینها به غایت خلقت می­رسند «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» خدایا تو خلقت را باطل نیافریدی. "ما خلقت هذا باطلا" آفرینش باطل نبوده است. تو منزهی، ما را از عذاب الهی مصون بدار. «رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ» خدایا هر کس را وارد جهنم کنی خوار می­شود «وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ» گناهکاران در روز قیامت یاوری ندارند «رَّبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِياً يُنَادِي لِلإِيمَانِ» یعنی این آیه همیشه هست، الان هم می­شود. هر وقت زنده شد، احیا شد با ایمان و عمل صالح، حیات طیب پیدا می­کند، زنده میشود.همانطور که مرده زنده می­شود "رَّبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا" ما شنیدیم "مُنَادِياً يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُواْ بِرَبِّكُمْ" ایمان بیاورید "فَآمَنَّا" ایمان آوردیم "فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الأبْرَارِ" و در ادامه می­فرماید «رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى رُسُلِكَ» خدایا ما را به کمالی که به انبیائت وعده دادی برسان "آتنا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى رُسُلِكَ" هر چه وعده دادی بده «وَلاَ تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لاَ تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» ایمان دارند، عمل صالح هم که انجام می­دهند، شب بلند می­شوند آسمان و عظمت خدا را می­بینند، فکر می­کنند، ذکر می­گویند، قرآن می­خوانند، ندا می­آید «فاستَجَابَ لَهُم رَبُّهُم» خداوند استجابتشان می­کند. می­فرماید: «أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى» دوباره قانون را ذکر می­کند. یعنی این جریان اختصاص به مردها ندارد. "فاستجاب لهم ربهم" خدا جوابشان را می­دهد "انی لا اضیع" من ضایع نمی­کنم "عمل عامل منکم" هر کس که با ایمان و عمل صالح بیاید، اجرش ضایع نمی­شود "من ذکر أو انثی" چه مرد باشد، چه زن. تا آخر آیه که اعمال مهم جریان حرکت مع الانبیا را ذکر می­کند. تا نشان دهد در جریان قانون مداری "انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی" باز قانون دارد "فاستجاب لهم ربهم" خدا استجابت می­کند. چه مرد باشد و چه زن. پس قانون مداری قرآن، قانون ایمان و عمل صالح است و در این قانون القای جنسیت شده و هیچ تفاوتی بین جنس زن و جنس مرد وجود ندارد. البته از نظر فلسفی هم –ان شاء الله در ترم بعد می­خوانید- حقیقت روح انسان وقتی می­آید که -مثلا- این نطفه، خون بسته می­شود، گوشت پیدا می­کند، استخوان پیدا می­کند، گوشت پیدا میکند، پوست پیدا میکند، بعد قرآن در سوره مومنون می­فرماید «ثم أنشأناه خلقاً آخر» بعد که تمام مراحل طی می­شود قرآن می­گوید ما خلق دیگری به آنها میدهیم. مرحوم ملا صدرا خیلی قشنگ استفاده می­کند. میگوید در ابتدا، همه مراحل با "فاء". نطفه خون بسته می­شود، با "فای عطف" عطف می­شود. بعد می­گوید "ثم أنشأناه خلقاً آخر" أنشأناه خلقا آخر یعنی روحم را به او دادم. ملاصدرا نشان می­دهد که اینجا روح انسان، نفس انسان، از جنس روح الهی است. لذا به "خلقا اخر" تعبیر می­کند. مذکر و مونث بودن مال قبلشه. حقیقت روح انسان که باید با قانون ایمان و عمل صالح بالا بیاید یکی است. چون «قل الروح من أمر ربی» روح از مقوله امر است. خلق آخر است. حقیقت روح انسان از مقوله­ای است و مذکر و مؤنث بودن از مقوله دیگری است. لذا حقیقت روح انسان در قانون مداری ایمان و عمل صالح چون یکسان است، یک طور نتیجه می­دهد . این سازمانِ بحث قرآنی مسئله است. به همین جهت است که باز در ذیل آیه بسیار زیبای سوره احزاب دارد «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُراجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» -حالا می­خوانیم متن آیه را- در ذیل این آیه زیبا روایت بسیار زیبایی دارد که حتما بلدید. روایت بسیار زیبای اسماء بنت عمیس همسر جعفر طیار، آن بزرگ زن و مرد تاریخ اسلام، «لما رجعت اسماء بنت عمیس من حبشه مع زوجها جعفر بن ابیطالب» وقتی اسماء بنت عمیس با شوهرش جعفر بن ابیطالب، جعفر طیار، از حبشه برگشتند «دخلت علی نساء رسول الله» اسماء داخل شد بر زنان پیغمبر سوال کرد «فقالت: هل نزل فینا شی من القرآن؟» آیا چیزی در قرآن درباره ما زنها نازل شده؟ «قلن: لا» زنان پیغمبر گفتند: نه، چیزی نازل نشده. قانون­های مداری قرآن اگر انسان هم باشد می­شود زن و مرد، منتها چون آن شرایط، شرایط ناجوری نسبت به زن بوده... ویل دورانت خوب نقل می­کند می­گوید در ایران، در روم، در جزیره العرب زن یعنی آلودگی، زن یعنی ننگ. در چنین فضایی لازم است که یک سری چیزها مخصوص باشد. دیگر به "ان الانسان لفی خسر" اکتفا نشود. تصریحاتی به آیه "من ذکر أو انثی» باشد که ابهامات برطرف شود. «فأتت رسول الله(ص) فقالت یا رسول الله» اسماء آمد خدمت پیغمبر سوال کرد، «ان نساء لفی خیبه و خسار» زنها در حال خسارت و خسران و ضرر هستند، «فقال (ص) و ممّ ذلک؟» چرا فکر می­کنی زنها در حال ضرر کردنند؟ «قالت لانهنّ لا یذکرن بخیر کما یذکر الرجال» اسما عرض کرد یا رسول الله زنها را خدا به خیر یاد نمی­کند. دوره مدینه است و جنگ و جهاد. مردها می­جنگند و شمشیر می­زنند و آیه نازل میشود. اسمی از زنها نیست. «فأنزل الله تعالی هذه الآیه» تا اسماء سوال کرد این آیه نازل شد «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» مردان مسلم، زنان مسلمه، مردان مومن، زنان مومنه، «وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ» قنوت یعنی اطاعت توام با فروتنی و خضوع. قانت یعنی کسی که خدا را با خضوع و فروتنی اطاعت می­کند. «وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ» صدقه میدهند، تصدق می­کنند در راه خدا «وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُروجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» آنهایی که خوب خودشون را از آلودگی حفظ می­کنند، گناه نمی­کنند. خیلی مهم است. آلوده شدن آدم را از حرکت به سوی خدا ساقط می کند، «وَالْحَافِظِينَ فُروجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ و الذاکرین الله کثیراً والذاکرات» آنهایی که کثیراً ذکر خدا می­کنند، ذکر کثیر مهم است. لذا قرآن فرمود یذکرون الله قیاماً وقعوداً و علی جنوبهم. بعضیا پای تلویزیون خواب می­روند. پای فیلمهای عجیب و غریب. قرآن می­فرماید علی جنوبهم ذاکر هستند.می­خوابند ذاکرن هستند،بلند می­شوند ذاکر هستند. "والذکرین الله کثیرا والذاکرات" در درس هم ذاکرند. در دانشگاه هم ذاکرند. در حال کار پاک و به یاد خدا هستند. کار است اما باطنش اتصال است. والذکرین الله کثیرا و الذاکرات اینها «اعد الله لهم مغفره و اجرا عظیما» خدا مغفرت و اجر بزرگی برایشان. در نظر گرفته است. وقتی خدا کسی را بزرگ بدارد، بدانید خیلی بزرگ است که خدا او را بزرگ می­شمرد. از حضرت امیر سوال کردند که این جمله قرآن در مورد پیغمبر «انک لعلی خُلُق عظیم» یعنی چه؟ حضرت امیر فرمودند خدا، دنیا با همه بزرگیش را "متاع قلیل" می­داند. خُلق پیغمبر چقدر بوده که خدا می­گوید بزرگ است. خدا تمام دنیا را کوچک می بیند. بعضی چیزها را خدا میگوید بزرگ است. خدا القای جنسیت کرده، اسلام، ایمان، صداقت، صبر، استقامت، تصدق، عمل صالح و ایمان. ایمان و عمل صالح قانون مداری است. که بعد در ذیل این مطلب روایتی داریم که «اذا الرجل اهله من اللیل فتوضأا و صلَّیا کتبا من الذاکرین الله کثیرا والذاکرات» اگر مردی و زنی، یک خانواده­ای، شبها بلند بشوند، وضو بگیرند، نماز شب بخوانند –زن و مرد باهم- بعد خدا می­گوید ببینید اینها ذاکرین الله کثیراً و الذاکرات. خوش بحال چنین خانواده ای! روز پرکار در خدمت دین، شب هم یاد الهی. سازمان خانوادگی اسلام را ببینید.

پس از نظر قرآن و در تعابیر بسیار ارزشمند قرآن، در آیات مختلف داریم که ما نسبت به مسئله کمال نهایی انسان جنسیت را دخیل نمی­دانیم.

اکنون قانون مداری را در منازل و مقاطع پیاده کنیم. این هم معجزه عجیب قرآن است. اینجا ما به برادرها که می­رسیم میگوییم باید هوای خودتان را داشته باشید. قرآن در منازل و مقاطع مختلف تاریخ، وقتی قانون مداری ایمان و عمل صالح را پیاده می­کند نشان می­دهد که زنها یا از مردها بالاترند یا مساویند.

قرآن وقتی این را در منازل پیاده می کند، منزل اول که منزل آدم بود دیدید که پاکی مشترک بود، گناه و توبه هم مشترک بود. لذا زنها هیچ مشکلی نداشتند. در منزل دوم بعضی می­گویند قرآن اول از آدم شروع می کند بعد به حضرت ابراهیم می­رسد که موضوع بحث ما در جلسه آینده است، "نقش زن در تمدن توحیدی" قرآن خیلی عجیب عمل می­کند، که بحث آزادی هم در آنجا مشخص می­شود.

بعضی میگویند قرآن داستان حضرت نوح را چون همسرش زن بدی بود نگفت. جواب می­دهند: قرآن با دقت عمل کرده است. اگر در یک مقطع با حضرت نوح برخورد می­کند که همسر نوح زن بدی بوده است و همسر لوط زن بدی بوده، چون لوط هم همراه حضرت ابراهیم «آمن له لوط و قال انی مهاجر الی ربی انه سیهدیکم» یک چنین تعبیری دارد. لوط خوب بود،همسرش بد بود. لوط ایمان آورد و با ابراهیم حرکت کرد همسرش از همراهی او ماند. نوح هم همینطور. وقتی به زن لوط و زن نوح می­رسد -این اعجاز قرآن است- بلافاصله در سوره تحریم می­فرماید «ضرب الله مثلا للذین کفروا امرأه نوح»خداوند برای کفار زن نوح را مثال زده. «و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا» اینها تحت دو نفر از بندگان ما بودند یعنی همسرشان بودند. «صالحَین» دو بنده صالح داشتیم بنام لوط و نوح که همسران بدی داشتند «فخانتاهما» خیانت کردند «فلن یغنیا عنهما من الله شیئا» این دو نتوانستند مانع سنت الهی باشند. نوح و لوط پیغمبرند اما قانون مداری ایمان و عمل صالح اثر خودش را می­گذارد. همسر پیغمبر است و با او زندگی می­کند اما با او نیست، مخاطب او نیست، از جنس او نیست. «و قیل ادخلا النار مع الداخلین» گفته شد به جهنم داخل شوید. به این دو زن گفتند شما جهنمی هستید، شما خوار شدید "انک من تدخل فقد اخزیته سقوط کردید تا اینها را میگیره بلافاصله تو همین آیه و ضرب الله مثلا للذین آمنوا اذ رات اذ قالوا بلافاصله استخراج می کند این ذهن مردگرای تاریخ را سریع قرآن با دقت تمام اینها دیگر علامت قرآنه زود برمی گردونه اینها را یک برگشت بهشون میده میگوید ببینید دو تا آدم خوب دو دو تا زن بد حالا نگاه کنید ببینید یک زن خوب در کنار مرد جهنمی آن هم چه مردی فرعون اذ ر.. فرعون بعد یک جمله ای درباره زن فرعون دارد که دیگر عرفا اینجا موندن تفسیرش برا جلسه بعد خیلی عجیبه اذ رات فرعون اذ قالت زن فرعون عرض کرد رب ابنی عندک بیتک فی الجنه و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین پراردگارا نجاتم بده برای من خانه ای نزد خودت در بهشت بساز که عزیزان انشاءاله عرفا می گویند اینجا دیگر بهشت نیست بیتا عندک عندک بیتا فی الجنه بهشت خیلی بزرگه اما یک خونه تو بهشت هست پیش خدا این خانم از آن خونه ها خواسته رب ابنی عندک بیتک فی الجنه پراردگارا نزد خودت حالا انشاءاله میگم خدمت خواهرانم درباره این خانم بزرگ خیلی هم بزرگ خانمی است اما پیغمبر اکرم فرمودند حالا آسیک را چکار دارید کنیزی داشتند دختران فرعون که آرایشگر آنها بود پیغمبر فرمودند شب معراج در معراج که می رفتند آسمان سوم یا آسمان چهارم خواهران من آسمانها اینطورن که بعضی از انبیا را پیغمبر در آسمان اول و دوم دید حالا آسمان یعنی چه ما نمی دونیم معنای آسمان در قرآن یعنی چی فقط بدونید هر چی کهکشان داریم زینت آسمان اوله زینا السماء الدنیا بزینه الکواکب بقیک اش را بلد نیستیم یعنی چه بلد نیستیم. هم انقد داری تو راایات که بعضی از انبیا تو آسمان اول بودند بعضی تو آسمان دوم بودند بعضی تو آسمون سوم بودند پیغمبر اکرم فرمودند رسیدم به آسمان ظاهران چهارم یک بوی خوشی به مشامم رسید سوال کردند برادرم این بوی چیک فرمودند یا رسول الله این بوی این خانمی است که تو خانه فرعون خدمتکار بوده بوی این و بچه هاش تا آسمان چهارم اومده بالا این زن گفتند جریان چی بوده پیغمبر عرض کردند یا رسول الله این خانم ایمان آورد به حضرت موسی تو محیط داخلی فرعون سر سفره ناز نعمت فرعون ایمان آورد با معرفت ایمان عمل صالح صبر دید به موسی جسارت میکند دختران فرعون ایستاد مقابلشون تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر عصاره خلقت اینطوری میشود ایمان عمل صالح ایمان آورد ایستاد فرعون گفت یعنی چه حالا زنم یک حرفی بزنه شکنجه گاه آسیک حالا بعدا باید بگیم اما این یک کنیزی بوده یک محلی از ..(49:30) دستگیرش کنید بچه هاشو گرفتند آتش درست کردند جبرئیل عرض کرد یا رسول الله زنه را دست بسته بودند بچه ها تو آتش بهش می گفتند یا کافر شو به موسی یا بچه هاتو می سوزونیم بچه اول را انداختند تو آتش بچه می سوخت و فریاد می زد مادرش خدا احدا احدا احدا خدای احد یکتا خدای متعال توحید یا رسول الله بچه دوم را انداختند فریاد زد خب تو شرایط استقامت شکننده است برای یک دستگاه جبار که فرعونه یا رسول الله بچه سومش خردسال شیرخواره بود آمدند بچه را به سمت آتش ببرند مادره لرزید مادره بچه به مادرش نگاه کرد احدا احدا احدا که این یا رسول الله این بوش که به مشام شما می رسه بوی سوختن آن بچه ها و این خانواده است که با صبر و ایمان و عمل صالح به آسمان چهارم سوال ما این بود که آیا زنان به کمال نهایی نبوت و ولایت ایمان عمل صالح تقوا پاکی تفکر ذکر کثیر چه فرقی میکند هر کس تو این مسیر و قانون مدای حرکت می کند به نتیجه خلقت و به عصاره خلقت میرسه امیدواریم که انشاأله نتیجه این آگاهی ها این باشد که خواهران خوب ما در این محیط ها اسوه های ایمان و عمل صالح و تقوا صبری باشند که انشاءاله به سمت عصاره هستی و عصاره خلقت وجود مقدس آقا امام عصر هدایت کنند. انشاءالله موفق باشید تا جلسه بعد که ببینم در منازل بعد قرآن البته داستان حضرت آسیک را و این زن بزرگ را در جلسه بعد اشاره خواهیم کرد یک صلوات ختم بفرمائید.